

حجاب به عنوان یک حکم شرعی مستندات قرآنی و روایی بسیاری دارد. مهمترین آیاتی که دلالت بر حکم حجاب دارد عبارتند از:

### آیه نخست

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَاطِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا» (احزاب/۵۳)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌های پیامبر داخل نشوید مگر به شما برای صرف غذا اجازه داده شود، در حالی که (قبل از موعد نیاید و) در انتظار وقت غذا ننشینید؛ اما هنگامی که دعوت شدید داخل شوید؛ و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و (بعد از صرف غذا) به بحث و صحبت ننشینید؛ این عمل، پیامبر را ناراحت می‌نماید، ولی از شما شرم می‌کند و (چیزی نمی‌گوید)؛ اما خداوند از (بیان) حق شرم ندارد و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (به عنوان عاریت) از آنان (همسران پیامبر) می‌خواهید از پشت پرده بخواهید؛ این کار برای پاک‌دل‌های شما و آنها بهتر است! و شما حق ندارید رسول خدا را آزار دهید، و نه هرگز همسران او را بعد از او به همسری خود در آورید که این کار نزد خدا بزرگ است!»

### آیه دوم

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنْ أَلَّ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ \* وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ» (النور/۳۰-۳۱)



«به مؤمنان بگو، چشمهای خود را از نگاه به نامحرمان فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آن چه انجام می‌دهید آگاه است! و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را از نگاه هوس آلود فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است آشکار نمایند و اطراف روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان هم کیششان یا بردگانشان یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود.»

### آیه سوم

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب/۵۹)

«ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مومنان بگو: جلبابها(روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ خداوند همواره آمرزنده رحیم است.»

بسیاری از تفسیر نویسان و فقهاء از آیات یاد شده و برخی دیگر از آیات قرآن حجاب شرعی را نتیجه گرفته‌اند و در برابر، گروهی از نواندیشان قرائت جدیدی از آیات عرضه داشته و حجاب را به عنوان یک حکم شرعی بر نمی‌تابند و نظرگاه مخالفان خویش را به نقد و بررسی می‌گیرند. در این نوشتار برخی از قرائتها را مورد بحث قرار می‌دهیم.

### قرائت‌های نو از آیه نخست

شماری از نواندیشان عرب، دلالت آیه نخست بر حجاب شرعی را نپذیرفته‌اند و با دلایلی چند کسانی را که از آن حکم حجاب فهمیده‌اند به نقد می‌گیرند. دلیل نخست: در آیه شریفه تنها همسران پیامبر(ص) به حجاب فراخوانده شده‌اند و نه دیگر زنان مسلمان و این، نمی‌تواند وجوب حجاب بر دیگران را اثبات کند زیرا:

اولاً. در آیات وحی، تنها پیامبر(ص) اسوه معرفی شده و نه همسران وی: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/۲۱)

ثانیاً. بر اساس آیات قرآن همسران پیامبر(ص) ویژگی‌هایی دارند و همسان دیگر زنان مسلمان نیستند: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ» (احزاب/۳۲)

چه اینکه کیفر زنان پیامبر(ص) دو برابر کیفر زنان دیگر است «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيَّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ» (احزاب/۳۰)

همسران پیامبر(ص) پس از وی نمی‌توانند با دیگران ازدواج کنند «وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ» (احزاب/۵۳) اما دیگر زنان این گونه نیستند.

پیامبر(ص) حق طلاق و ازدواج مجدد ندارد: «لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ» (احزاب/۵۲) در صورتی که دیگر زنان مسلمان چنین امتیازی ندارند و همسران ایشان می‌توانند ازدواج مجدد کنند یا همسر خویش را طلاق دهند. (جابری، الحجاب بین الدین و الموروث الاجتماعي)

بنابراین وجوب حجاب برای همسران پیامبر در حق دیگر زنان مسلمان جاری نخواهد بود. چنانکه روایت انس بن مالک نیز همین نکته را در این روایت، حجاب به عنوان نشانه‌ای برای شناسایی همسران پیامبر از کنیزان آمده است:

«پیامبر میان خیبر و مدینه سه روز سکنی گزید و با صفیه دختر حبی ازدواج کرد. مؤمنان گفتند: اگر پیامبر آن زن را در حجاب ببرد آن زن از امهات مؤمنین خواهد بود و اگر چنین نکند پس آن زن ملک یمین حضرت خواهد بود. و وقتی پیامبر صفیه را با حجاب کرد مسلمانان او را در شمار امهات مؤمنین قرار دادند.» (همان)

محمد سعید القدال نیز با استناد به سیاق پیشینی و پسینی عمومیت حکم حجاب را نمی‌پذیرد و از همین استدلال در اثبات باور خویش سود می‌گیرد:

«آیه ششم سوره احزاب و آیات سی تا سی و سوم این سوره و آیه پنجاه و سوم در باره همسران پیامبر است و احکام مخصوص ایشان را بیان می‌کند: همسران پیامبر امهات مؤمنین هستند، ثواب ایشان و عذاب ایشان دو چندان است، آنها چون دیگر زنان مسلمان نیستند، مردان حق ازدواج با ایشان ندارند، و ساحت همسران پیامبر از



زشتی‌ها و پلیدیها منزّه است.» (القدال، الحجاب فی الخطاب القرآنی)

به باور القدال آیه نخست، از وجوب حجاب بر همسران پیامبر سخن می‌گوید و درباره دیگر زنان مسلمان حکمی ندارد که اگر جز این بود خداوند تمامی زنان را مخاطب قرار می‌داد نه آن که حکم را به همسران پیامبر اختصاص دهد. (همان) شحرور نیز با جابری و القدال همفکری می‌کند و از ویژه بودن حکم آیه سخن می‌گوید و وجوب حجاب را بر دیگر زنان مسلمان بر نمی‌تابد. (شحرور، نحو اصول جدیده للفقّه الاسلامی، / ۳۳۱-۳۸۱)

محمد سعید عشاوی نیز وجوب حجاب را بر دیگر زنان مسلمان ردّ می‌کند و با استناد به سبب نزول آیه شریفه، حجاب را ویژه همسران پیامبر می‌خواند و آن را ایجاد حایلی میان همسران پیامبر و مومنان می‌داند به گونه‌ای که با این حجاب، همسران پیامبر اصلاً دیده نشوند. (عشاوی، حقیقه الحجاب و حجیه الحدیث) عبدالفتاح عبد القادر نیز از روایت انس بن مالک بهره می‌گیرد و حکم حجاب را مخصوص همسران پیامبر می‌خواند و حجاب را بر کنیزان و دختران و دیگر زنان مسلمان واجب نمی‌داند (عبدالقادر، الحجاب لیس فریضه اسلامیّه)

### نقد و بررسی

این برداشت از آیات از چند جهت درخور تأمل و نقد است:

۱. تخصیص حکم حجاب به همسران پیامبر، با توجه به این که این حکم مردم را به مکارم اخلاق فرامی‌خواند شایسته نیست؛ و افزون بر این دنباله آیه شریفه «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» نشان می‌دهد که علت حکم عام است و هر گاه علت عام باشد حکم نیز جنبه عمومی خواهد داشت چه این که تمام مردان و زنان در هر زمان و مکانی نیازمند چیزی هستند که برای قلوب ایشان اطهر است. بنابراین هر چند آیه خاص است اما به لحاظ عموم علت حکم جنبه همگانی دارد. نویسنده تفسیر «اضواء البیان فی تفسیر القرآن» می‌نویسد:

«در این آیه شریفه دلیل روشنی بر عمومیت حکم حجاب وجود دارد. عبارت «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ» که به عنوان علت «فَسَلُّوْهُنَّ مِنْ وَّرَاءِ الْحِجَابِ» آمده

است دلیل روشن و آشکاری است بر عمومیت حکم چه این که علت عام است و

علت عام دلالت بر عمومیت حکم دارد.» (شنقیطی، ۵۸۴/۶)

شمار دیگری از مفسران اهل سنت بر اساس قیاس تمثیل و جوب حجاب را برای تمامی زنان مسلمان نتیجه گرفته‌اند. به باور ایشان در آیه شریفه اصل، فرع، علت و حکم داریم. اصل همسران پیامبرند که خطاب متوجه ایشان شده است. حکم، پوشش کامل است، علت به دست آوردن طهارت قلب است که برای مردان و زنان مطلوب است و فرع دیگر زنان مسلمان هستند. بنابر این از آن جهت که تحصیل طهارت قلب برای تمامی مردان و زنان مطلوب است نتیجه می‌گیریم که حکم حجاب بر تمام زنان مسلمان نیز واجب است چنان که بر اساس همین علت، حجاب به همسران پیامبر(ص) نیز واجب گردیده است.

۲. شماری از مستندات جابری و القدال بر خلاف ادعای ایشان، دلالت بر الگو بودن همسران پیامبر دارد چه این که همسران پیامبر از آن جهت که الگوی دیگر زنان مسلمانند گناه نکنند و اگر گناه کنند عذاب دو چندان خواهند داشت و اگر عمل صالح انجام دهند و در برابر خدا و رسول خدا خضوع کنند پاداش دو چندان می‌بینند. علامه طباطبایی در این راستا می‌نویسد:

«الآیه تنفی مساواتهن لسائر النساء ان اتقين و ترفع منزلتهن علی غیرهن»

(طباطبایی، ۳۰۸/۱۶)

۳. روایت انس بن مالک نیز که مستند جابری و عبدالفتاح عبدالقادر قرار گرفته است بر فرض درستی سند، تنها دلالت بر تفاوت پوشش همسران پیامبر با کنیزان دارد در صورتی مدعای این گروه از نواندیشان عرب تفاوت حجاب در مورد همسران پیامبر و دیگر زنان مسلمان است.

دلیل دوم: آیه شریفه دلالت بر حجاب مورد نظر فقها ندارد چه این که آیه شریفه از ایجاد حایل میان همسران پیامبر و مومنان می‌گوید به گونه‌ای که همسران پیامبر با وجود این حجاب اصلاً دیده نمی‌شوند: «لکنه یعنی الساتر الذی یمنع الرؤیه تماماً و یحول بین الرجال المؤمنین و بین زوجات النبی کلیه» (جابری، همان)



## سنجش و ارزیابی

درست است که آیه شریفه از ایجاد حایل می‌گوید اما به اولویت، از وجوب حجاب بر همسران پیامبر (ص) حکایت دارد. فخر رازی در این باره می‌نویسد:

«از حکم آیه به دست می‌آوریم که حجاب شرعی بر ایشان واجب بوده است که اکنون می‌گوید «فستلوهن من وراء الحجاب» و گر نه اگر حجاب بر همسران پیامبر واجب نبود چنین دستوری لازم نبود.» (فخر رازی، ۲۵/۲۲۶)

دلیل سوم: سبب نزول آیه شریفه از وجوب حجاب بر همسران پیامبر (ص) حکایت دارد چه این که در سبب نزول آیه شریفه می‌خوانیم:

«عمر بن خطاب به خدمت پیامبر (ص) رسید و عرض کرد: «یا رسول الله یدخل علیک البر و الفاجر، فلو امرت امهات المؤمنین بالحجاب» پس از این آیه شریفه فرود آمد. (واحدی نیشابوری، ۲۰۶/۲)

نویسنده دیگری از سبب نزول دیگری یاد می‌کند و حجاب را به معنای عرفانی آن می‌گیرد و بر این باور است که:

«آیه حجاب در حجله خواب شب عروسی و برای حفظ خلوت و مانع ورود فرد سوّم نازل شد. این فرد انس بن مالک، یکی از اصحاب پیامبر (ص) بود. از ورود انس به وسیله حجاب به عنوان شاهد و سمبل جامعه‌ای که بیش از حد مورد تعرض قرار گرفته، ممانعت به عمل آمد و خود او به عنوان شاهد، ماجرا را (این چنین) شرح می‌دهد:... در آن هنگام پیامبر (ص) به تازگی ازدواج کرده بود و بی‌صبرانه می‌خواست با همسر جدیدش، زینب، تنها باشد. گروه کوچکی از مهمانان موقع نشناس، گرم گفت‌وگو بودند و به نظر نمی‌رسید، به این زودی قصد ترک آنجا را داشته باشند. به گزارش تفسیر «طبری»، حجاب پاسخ خداوند بود به گروهی که با رفتار بی‌نزاکتشان موجب آزار پیامبر مؤدب و کمرو شده بودند. طبری، توضیحات انس را این گونه ذکر کرده است:

«...او به اتاق همه همسرانش سر زد و دوباره به اتاق زینب برگشت. در آنجا دید که آن سه نفر هنوز مشغول صحبت هستند. پیامبر (ص) بسیار مؤدب و

خوددار بود. وی به سرعت آنجا را ترک کرد و به اتاق عایشه رفت. سرانجام به خاطر نمی آورم، توسط من یا فرد دیگری، به پیامبر (ص) گفته شد که آن سه نفر بالاخره آنجا را ترک کردند. آن حضرت به اتاق زینب برگشت. یک پا را در اتاق گذاشت و پای دیگری را بیرون نگاه داشت و در این حالت پرده ای میان من و خود کشید و آیه حجاب در این لحظه نازل شد.» (مرنیسی، / ۱۵۴-۱۵۳)

### نقد و نظر

در متون تفسیری و قرآنی اهل سنت، شش سبب نزول برای آیه شریفه ذکر شده است. انتخاب هر یک از این شش مورد و استوار ساختن یک نظریه تفسیری بر هر یک از این موارد نیاز به دلیل دارد در صورتی که جابری و مرنیسی هیچ دلیلی بر انتخاب خود نمی آورند.

افزون بر این، آیه و سبب نزول آن با نظریه مرنیسی سازگار نیست چه این که عبارت «فَسئَلُوهُنَّ مِنْ وَّرَاءِ حِجَابٍ» از لزوم حجاب میان مؤمنان و همسران پیامبر می گوید و سبب نزول نیز ناظر به وجوب استفاده از حجاب میان پیامبر و دیگر مومنان نیست در صورتی که بر اساس نظریه مرنیس حجاب به معنای پرده و حایل میان دو مرد است.

### قرائن های نو از آیه دوم

کسانی که از آیه دوم قرائت نو دارند متعددند که در این جا به تعدادی از آنان اشاره می کنیم:

احمد عقله یکی از نویسندگان جهان عرب در تفسیر آیه دوم، سه شرط برای پوشش زن در اسلام می آورد:

شرط نخست: تقوی بهترین پوشش است: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ» (اعراف/۲۶)

شرط دوم: پوشش سینه



عقله در توضیح این شرط به بحث در باره آیه یاد شده می‌پردازد. به باور او کلمه حجاب در هیچ یک از کاربردهای هفتگانه آن در آیات وحی به معنای پوشش و لباس زن به کار نرفته است.

در نظرگاه عقله یهودیان نخستین دیندارانی هستند که حجاب را از پیشینیان خود گرفته و آن را به عنوان یک حکم شرعی در تلمود ذکر کردند در صورتی که این حکم در آیات تورات نبود و به عنوان یک حکم شرعی شناخته نمی‌شد. پس از یهودیان پیروان حضرت مسیح از سنت یهود بهره بردند و خویشتن را در حجاب قرار دادند. در عصر عرب جاهلی نیز پوشش سر در شمار عادات قرار داشت به خصوص که برخی برای مصون بودن از آفتاب و گرد و غبار سر خویش را در حجاب قرار می‌دادند. بنابر این حجاب عادت پیشینیان بود و در کتب الهی این حکم نیامده است.

پس از این مقدمات عقله به بحث در باره واژه خمار در آیات وحی می‌پردازد و آیه یاد شده را به بحث و بررسی می‌نشیند.

او می‌گوید:

«آیه شریفه بر پوشش سینه دلالت دارد و پوشش سر و صورت مدلول آیه شریفه نیست که اگر پوشش سر و صورت مطلوب بود فرو فرستنده قرآن به صورت صریح و روشن امر بر پوشش این قسمت‌ها می‌کرد و مخاطب قرآن را از کج روی باز می‌داشت و تفسیر نویسان را از عرضه خواسته‌های خود به نام مراد خداوند باز می‌داشت.» (عقله، المرأه فی الاسلام)

به باور عقله سیاق پسینی آیه شریفه «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» نیز نشان می‌دهد که مراد از زینت چیزی است که با کوبیدن پا به زمین مردان را تحریک می‌کند نه صورت و مو که با کوبیدن پا به زمین ظاهر نمی‌شوند. بنابر این رحمانیت خداوند سبب شده است که خداوند مصادیق زینت‌های ظاهری و باطنی را ذکر نکند و انتخاب پوشش مناسب را با توجه به زمان و مکان بر عهده مخاطب قرار دهد.

عقله در نتیجه گیری می‌نویسد:



«زنی که بر اساس عادت و عرف زمان خود حجاب می‌گیرد کار نادرستی نکرده است اما همین زن اگر ادعا کند که حجاب حکم الهی است در شمار گناهکاران قرار خواهد گرفت چه این که او مردم را در حکم خداوند دخالت داده است و آن چه را خداوند و رسول او نگفته است به خداوند نسبت می‌دهد. (همان)

## سنجش

فهم عقله از چند جهت در خور تأمل است:

الف. حجاب در تمامی ادیان و کتب الهی آمده است. در دین یهود حجاب به عنوان یکی از دستورات این دین شناخته می‌شود. در سفر پیدایش می‌خوانیم:

«و ربقاه چشمان خود را گشود و اسحاق را دید و از شتر به زیر آمد و به غلام گفت: این شخصی که از برای استقبال ما در صحرا می‌آید کیست؟ غلام گفت: که آقای منست پس رو بند گرفته خود را مستور نمود.» (کتاب مقدس، سفر پیدایش، فصل ۲۵ آیه ۶۵-۶۶)

در همین کتاب نشانه‌هایی وجود دارد که یهودیان از چادر و رو بند بهره می‌گرفتند:

«بوعز گفت: که دانسته نشود که زنی به خرمن آمده بود و دیگر گفت: جامه که بر تست بیار و بگیر و او آن را گرفت و به او شش پیمانه جو پیمود» (کتاب مقدس، کتاب روٹ موایبه، فصل سوم آیه ۱۴-۱۵)

مسیحیان نیز با الهام از کتاب مقدس، خویشان را در حجاب قرار می‌دادند. در اسلام نیز حجاب به عنوان یک امر واجب معرفی شده است و آیات و روایات بسیاری بر آن دلالت دارد.

ب. بخش عمده‌ای از آداب و رسوم و... عرب جاهلی پس از ظهور اسلام برجای ماند و اسلام تنها بخشی از سنت‌های ایشان را تغییر و یا اصلاح کرد. بنابراین با اصلاح بخشی از یک عرف یا سنت نمی‌توان ادعا کرد اصل آن سنت مورد پذیرش اسلام نبوده است. عرب جاهلی چنان که عقله می‌گوید از حجاب استفاده می‌کردند اما حجاب ایشان حجایی نبود که مورد قبول اسلام باشد به این



جهت در آیات وحی از زنان عرب پوشش سینه نیز خواسته شد بنابراین اصل حجاب پذیرفته شده است و قرآن از زنان عرب پوشش سینه را می‌طلبد. و اگر در آیات وحی پوشش سر خواسته نشده است این از آن جهت است که زنان عرب چنین پوششی داشتند و نیاز نبود در آیات وحی پوشش سر از ایشان خواسته شود. بنابر این حجاب چون بسیاری دیگر از احکام یک حکم شرعی شناخته می‌شود اما چنان که فقها گفته‌اند یک حکم امضایی است.

دو نویسنده دیگر به نام‌های عبدالفتاح عبدالقادر و محمد سعید عشماوی نیز دیدگاه عقله را دارند.

به باور عبدالفتاح این آیه شریفه تنها از پوشش سینه می‌گوید و علت این حکم چنان که از سبب نزول آیه شریفه به دست می‌آید آن است که زنان در زمان پیامبر اطراف روسری خویش را به پشت سر خود می‌انداختند و سینه خویش را نمایان می‌ساختند بر این اساس آیه شریفه خواهان پوشش سینه است و هدف دیگری جز این پوشش در میان نیست بنابر این علت حکم به حجاب آن است که میان زنان با ایمان و دیگرانی که سینه خویش را نمایان می‌ساختند تفاوت باشد. عبدالفتاح نتیجه می‌گیرد:

«بنابر این حکم به حجاب یک حکم تاریخی است و نمی‌توان آن را در تمام زمان‌ها و مکان‌ها جاری ساخت و زنان مسلمان را ناگزیر از پوشش ساخت.»  
(عبدالفتاح، الحجاب لیس فریضه اسلامیه)

محمد سعید عشماوی نیز دو علت برای حکم حجاب ذکر می‌کند:  
علت نخست؛ تعدیل عرف عرب جاهلی که اطراف روسری خویش را پشت سر می‌انداختند و سینه خود را بدون پوشش می‌گذاشتند.  
علت دوم؛ تمییز میان زنان با ایمان که سینه خویش را در حجاب قرار می‌دادند و زنان بی‌ایمانی که سینه خویش را نمایان می‌ساختند. (عشماوی، حقیقه الحجاب و حجّیه الحدیث)

به باور عشماوی حکم آیه شریفه مانند حدیث پیامبر (ص) «احفوا الشوارب و اطلقوا اللحی» تاریخی است و نمی‌توان آن را در دیگر زمان‌ها و مکان‌ها جاری

ساخت.

بنابراین اصل حجاب پذیرفته شده است و قرآن از زنان عرب پوشش سینه را می‌طلبد. و اگر در آیات وحی پوشش سر خواسته نشده است این از آن جهت است که زنان عرب چنین پوششی داشتند و نیاز نبود در آیات وحی پوشش سر از ایشان خواسته شود. بنابر این حجاب چون بسیاری دیگر از احکام یک حکم شرعی شناخته می‌شود اما چنان که فقها گفته‌اند یک حکم امضایی است.

### نقد و نظر

هر چند آیه شریفه تنها به پوشش سینه اشاره دارد، اما چنان که گفته شد از آن جهت که زنان عصر نزول سر خویش را در پوشش قرار می‌دادند بنابر این نیازی به امر پوشاندن سر نیست. افزون بر این آنچه عبدالفتاح به عنوان علت حکم می‌آورد دلیل ندارد و اگر دلیل داشته باشد نمی‌توان حجاب را به عنوان یک پوشش اسلامی زیر سوال برد چه این که زنان با ایمان در این زمان نیز باید به همان علت سینه خود را در حجاب قرار دهند.

یکی دیگر از نویسندگانی که دیدگاه جدید را برگزیده است محمد شحرور است.

دکتر شحرور مدلول آیه دوم را حد ادنی پوشش می‌داند و حد ادنی حجاب را پوشاندن جیوب معرفی می‌کند. به باور او عبارت «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» و جمله «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» مؤمنین و مؤمنات را به «غض بصر» فرا می‌خواند و از آن جهت که حرف «من» در آیه شریفه برای تبعیض است بنابراین خداوند ما را به غض بعض بصر فرا خوانده است نه به غض تمام بصر.

به باور شحرور خداوند متعلق غض بصر را نسبت به مرد و زن ذکر نکرده است یعنی نگفته است مؤمنات و مؤمنین چشمان خویش را بر چه چیزی فروبندند و این نشان می‌دهد متعلق نسبت به مرد همان متعلق نسبت به زن نیست و افزون بر این ذکر نشدن متعلق نشان می‌دهد که خداوند نخواسته است مخاطب خود را



ناگزیر از انتخاب یک پوشش در تمام زمان‌ها و مکان‌ها کند.

نویسنده «الکتاب و القرآن قراءة معاصرة» از کاربرد فعل غَض نتیجه می‌گیرد:

«آیه شریفه از سلوک اجتماعی سخن می‌گوید به این معنا که هر گاه مرد و زن از جهت پوشش به گونه‌ای هستند که دوست ندارند حتی هم جنس ایشان آنها را در آن وضعیت مشاهده کند در این صورت خداوند از ما «غَض بصر» می‌خواهد یعنی هیچ یک از ما در مواردی که دوست نداریم در این موقعیت دیگران به ما نگاه کنند به دیگران نگاه نکنیم.» (شحرور، الکتاب و القرآن قراءه معاصره، ۶۱۱/)

همو در تفسیر جملات آیه ۳۱ نور، عبارت «وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» و «وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» را حفظ فرج از زنا می‌خواند و حد ادنی پوشش را پوشاندن فرج می‌داند و غَض بصر را از ویژگی‌های فردی می‌شناسد.

به باور دکتر شحرور زینت در آیه شریفه به دو زینت ظاهری و پنهانی تقسیم می‌شود. زینت ظاهری با توجه به آیه شریفه و دیگر آیات قرآن و به ویژه آیاتی که در مورد محارم فرود آمده است عبارت است از: سر، شکم، پشت، دو پا و دو دست، و زینت باطنی همان جیوب است که مفرد آن جیب است جیب عبارت است از:

«فتحه لها طبقتان لاطبقه واحده... فالجيوب في المرأه لها طبقتان او طبقتان مع خرق و هي ما بين الثديين و تحت الثديين و تحت الابطين و الفرج و الاليتين» (همان)

بر این اساس، بر زن مسلمان پوشش جیوب واجب است و اگر فقها حکم به پوشش بینی، دهان، چشم و گوش نداده‌اند با این که این اعضا نیز جیوب شناخته می‌شوند از آن جهت است که این اعضا جیوب ظاهری هستند و پوشش جیوب ظاهری واجب نیست.

ظاهر سازی جیوب برای پدر، پسر و دیگر مواردی که در آیه شریفه آمده است دائر مدار حلال و حرام نیست چه این که این ظاهر سازی جیوب چنان که برای همسر روا است برای دیگر افراد مذکور در آیه نیز حرام نیست اما زشت و خلاف

عرف است:

«يجب ان يفهم من كلامي انني لادعوا المرأه ان تجلس عاربه امام ثمانيه المذكورين اعلاه و لكن اذاحصل ذلك فرضا فلا يوجد حرام و لكن تلبس امامهم من باب العيب و الحرج لا من باب الحرام.» (همان)

شحرور در تفسیر «وَلَا يَضْرِبْنَ بَأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» برداشت تفسیرگران قرآن را نادرست می‌خواند و پس از آن که دو معنا برای ضرب می‌آورد می‌گوید:

«براساس آیه شریفه زنان از نشان دادن رفتاری که به ظاهرسازی جیوب ایشان می‌انجامد باز داشته شده‌اند.» (همان / ۶۱۳)

در پایان شحرور می‌گوید:

«آن چه در سوره نور آمده است تنها پوشاندن جیوب پنهانی است و این پوشش همان حد ادنی است اما آیه شریفه يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ... (احزاب / ۵۹) پوشش دیگری به عنوان جلباب را پیشنهاد می‌کند که این جلباب در مجامع گوناگون متفاوت است و مانع اذیت و آزار زنان با ایمان می‌گردد.» (همان، / ۶۱۴)

## بررسی و نقد

ناقدان بسیاری نظریه شحرور را به بحث و بررسی گرفته‌اند بنابر این نقد نظریه تفسیری ایشان ضروری نیست.

یکی از قرائت‌های جدید نسبت به آیه فوق قرائت جابری است در نگاه جابری، آیه دوم بر حجاب مورد نظر فقها دلالت ندارد چه این که:

۱. آیه بیانگر یک حکم عام است و در راستای نشر عفت و تأکید بر دوری از پستی‌ها و زشتی‌ها فرود آمده است: مردان و زنان با ایمان غض بصر داشته باشند.
۲. آیه از زینت زنان می‌گوید. زینتی که آشکار سازی آن با نظر داشت برخی از شروط روا است و زینتی که آشکار سازی آن جایز نیست. فقها زینت نخست را ظاهری می‌نامند و زینت دوم را باطنی می‌خوانند. زینتی که آشکار سازی آن



رواست عبارت است از: صورت، سرمه، گوشواره ها، انگشترها و دستبند. به باور برخی خلخالها نیز در شمار زینت ظاهری است و زینتی که نشان دادن آن جایز نیست مگر برای همسر، فرزند، پدر و... عبارت است از ران، سینه، شکم و... بر این اساس زن حق ندارد پاهای خود را به گونه‌ای روی هم قرار دهد که ران یا دیگر زینت‌های باطنی او نمایان گردد.

۳. آن چه فقهاء به عنوان زینت پنهانی می‌شناسند در قلمرو بحث حجاب نمی‌گنجد. زینت ظاهری که محل بحث حجاب است و امر حجاب به آن تعلق می‌گیرد با زینت باطنی فرق دارد.

۴. عبارت «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» بر وجوب استفاده از روسری اصلاً و شرعاً دلالت ندارد، بلکه در پی تعدیل عادت زنان عرب است، زنان عرب جاهلی اطراف روسری خویش را پشت سر می‌انداختند و سینه و گردن ایشان نمایان بود به این جهت آیه شریفه نازل شد تا این عادت اصلاح گردد و زنان مسلمان گردن و سینه خویش را بپوشانند که اگر هدف تعدیل عادت زنان عرب جاهلی نباشد بلکه هدف واجب کردن استفاده از روسری باشد شایسته بود عبارت «وَلْيَضْعَنَّ خُمُرَهُنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» شود.

۵. سبب نزول آیه شریفه نیز نشان می‌دهد که هدف آیه، تغییر عادت زنان عرب جاهلی و افکندن اطراف روسری بر روی گردن و سینه است. جابری در نتیجه‌گیری از این بحث می‌نویسد:

«دو علت برای حکم آیه شریفه می‌توان بیان کرد: علت نخست تعدیل عرف پوشش زنان در عصر نزول است بدون این که هدف تعیین پوششی خاص باشد. علت دوم ایجاد تمییز میان زنان با ایمان و زنان بی ایمان است. زنان با ایمان زنانی هستند که گردن و سینه خود را در حجاب قرار می‌دهند و زنان بی ایمان زنانی هستند که اطراف روسری خویش را به پشت سر می‌اندازند و گردن و قسمت بالایی سینه ایشان دیده می‌شود. بنابر این حکم آیه، یک حکم تاریخی است و مربوط به عصر پیامبر است چنان که روایت پیامبر(ص) «احفوا

الشوارب و اطلقوا اللحی» به اجماع فقها یک حکم تاریخی است و علت آن تمییز میان مؤمنان و غیر ایشان است. (جابری، الحجاب بین الدین و الموروث الاجتماعی)

## نقد و نظر

احکام شرعی به دو گروه تأسیسی و امضایی تقسیم می‌شوند و با فرض درستی سخن این گروه از نواندیشان حجاب در شمار احکام امضایی قرار می‌گیرد. بنابراین اگر آیه شریفه در پی تعدیل نوع پوشش عرب جاهلی باشد این آیه یک حکم امضایی است و نمی‌توان به صرف امضایی بودن شرعی بودن آن و در نتیجه وجوب حجاب را انکار کرد چنان که بسیاری دیگر از احکام به ویژه تمامی احکام وضعی امضایی هستند و به صرف امضایی بودن نمی‌توان از پذیرش آنها ظفره رفت.

اگر آن چه این عده به عنوان علت حکم حجاب می‌گویند درست باشد در این صورت می‌توان ادعا کرد که با از میان رفتن علت، حکم نیز از میان می‌رود. اما آیه سوم با نظریه این گروه سازگار نیست؛ چه این که آن چه به عنوان علت معرفی شده است، فلسفه حکم است نه علت حکم: «ذَلِكَ أَذْتَى أَنْ يُعْرِفَنَّ فَلَا يُؤْذَيْنَ» زنان مسلمان حجاب داشته باشند تا ایشان شناخته شوند و مورد اذیت و آزار قرار نگیرند.

## قرائت‌های نواز آیه سوم

در رابطه با آیه سوم نیز برداشت‌های جدیدی مطرح شده است. یکی از کسانی که در این زمینه نظر داده است. عقلمه است وی در قرائت خود از این آیه شریفه می‌گوید:

«خداوند به عمد مقدار پوشش را در این آیه شریفه ذکر نکرده است تا زنان مسلمان ناگزیر از انتخاب نوع خاصی از پوشش نباشند و بتوانند بسته به محیط و مکان زندگی خویش پوشش مناسبی اختیار کنند.



چه این که چه بسا پوشش مناسب در دمشق در ریاض ناپسند باشد و آن چه در لندن پوشش مناسب شناخته می‌شود در خارطوم پوشش روسپی‌ها باشد.» (عقله، زی‌المراه فی الاسلام)

نویسنده مقاله حجاب شرعی، دلالت آیه شریفه بر حجاب شرعی را باور ندارد و مراد از نساء را تنها زنان شوهر دار می‌شناسد و جلباب را پارچه‌ای می‌داند که از جهت طول و عرض به اندازه ملافه و شمد است. او می‌گوید:

«آیه شریفه تنها سه دسته از خانم‌ها را شامل می‌شود: دسته نخست: همسران پیامبر(ص) دسته دوم: دختران پیامبر(ص) که امروزه همان زنان شوهردار هستند. دسته سوم: بانوان شوهردار.» (بهبودی، شماره ۴۲، ۱۴۶/)

همو در ادامه می‌نویسد:

«در هر حال، بدیهی و روشن است و لفظ آیه کریمه نیز، صراحت دارد که این لباس (جلباب)، جنبه تشریفاتی دارد و به عنوان حجاب شرعی معرفی نشده است به همین جهت استفاده از تور نازک، حریر و ابریشم در تابستان و بهره بردن از فاستونی و مخمل در زمستان روا است.

بنابر این اگر زنان مسلمان از جلباب چون شنل بهره برند یا مانند رومیها و هندیا جلباب را بر دوش خود افکنند رفتاری ناسازگار با تکلیف شرعی خود بروز نداده‌اند در نتیجه پوشیدن این لباس، جنبه تشریفاتی دارد و به منظور دور داشتن اجنبی از تماس با آنان صادر شده است.» (همان)

جابری نیز پیش از عرضه قرائت خویش از آیه شریفه شرایطی برای اجتهاد شمارش می‌کند:

شرط نخست. شناخت عرف و عادت عرب عصر نزول از آن جهت که آیات وحی به زبان ایشان فرود آمده و از چیزهایی می‌گوید که عرب عصر نزول آنها را می‌شناختند و ارتباط دادن معانی آیات وحی به عرف و عادت عرب. شرط دوم. شناخت اسباب نزول یعنی آن مناسبتی که آیه به آن مناسبت فرود آمده است.

شرط سوم. شناخت مقاصد شرع. (جابری، الحجاب... قول فیه مختلف؛ آیات



### الحجاب... اسباب النزول و معطیات عصرنا

در این راستا جابری فهم آیه «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكِ...» را بدون نظر داشت شرایط عصر نزول و موقعیت اجتماعی ناممکن می‌خواند. او در تأثیر سبب نزول در فهم آیه شریفه می‌گوید:

«در گذشته برخی کوچه‌ها مسقف بود و مردان در دو طرف کوچه می‌نشستند و با یکدیگر گفتگو می‌کردند... وقتی زنان آزاده به همراه کنیزان برای قضای حاجت از منزل بیرون می‌رفتند مردانی که در کنار کوچه نشسته بودند به زنان متلک می‌گفتند و با اشاراتی خاص ایشان را اذیت و آزار می‌دادند. این وضعیت به عرض پیامبر رسید و در پاسخ آیه شریفه یَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكِ وَبَنَاتِكِ...» فرود آمد.» (همان)

جابری از سبب نزول یاد شده به علت حکم به حجاب پل می‌زند و در این باره می‌گوید:

«علت حکم به حجاب آن است که جوانان و مردان زنان آزاد را از کنیزان بازشناسند و ایشان را مورد اذیت و آزار قرار ندهند و به ایشان نگاه آلوده نداشته باشند.» (همان)

محمد عابد برای اثبات درستی فهم خود از آیه نیز سود می‌برد به باور او عبارت «أَنْ يُعْرِفْنَ» علت حکم به حجاب را بیان می‌کند. حجاب واجب گشت تا مردان زنان آزاد را از کنیزان بازشناسند.

در نظرگاه جابری افزون بر سبب نزول و آیه، رفتار عمر نیز از علت حکم به حجاب پرده برمی‌دارد وقتی عمر کنیزان با حجاب را تنبیه می‌کند. این کار تنها برای آن است که کنیزان به زنان آزاده شباهت نرسانند:

«و کان عمر رضی الله عنه اذا رأى امه قد تقنعت ضربها بالدره محافظه علی زی الحرائر». (قرطبی، ۲۴۴/۱۴؛ ابن سلام، ۱۵۴/۳)

همو در نوشتاری دیگر، حجاب را عرف و عادت عرب عصر نزول می‌خواند و بر این باور است که قرآن این مردم را به زبان ایشان و در قالب عادات ایشان مورد خطاب قرار داده است تا آیات وحی را دریابند و به آنها عمل کنند و از سویی



دیگر میان عرف و عادت عرب عصر نزول و عصر جدید تفاوت بسیار می‌بیند و عرف و عادت پیشینیان را ناسازگار با دگرگونی‌ها و تحولات عصر جدید می‌شمارد. اما در عین حال قرآن را خطاب به تمام مردم در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها می‌داند و اجتهاد را جمع میان این دو عرف متفاوت می‌خواند؛ به گونه‌ای که تجدید و استمرار با هم لحاظ گردد در صورتی که مجتهدان تنها زنان را عامل شهوت می‌شناسند و به این مناسبت حجاب را برایشان واجب می‌دانند، غافل از این که زنان می‌توانند با همین حجاب نیز مردان را تحریک کنند.

چه بسیارند زنان با حجابی که بیش از زنان غیر محجبه مردان را تحریک می‌کنند. افزون بر این مردان نیز با تحریک عضلات و چهره شان می‌توانند زنان را تحریک کنند.

بنابراین چنان که تحریک مردان بدون وجود زنان امکان‌پذیر نیست تحریک زنان نیز بدون مردان ممکن نمی‌باشد در نتیجه زن و مرد در مساله حجاب حکم واحدی دارند؛ اگر حجاب واجب است بر هر دو واجب است و اگر واجب نیست هیچ یک نباید ملزم به رعایت حجاب گردد به خصوص با توجه به این که بر اساس آیه شریفه زیر مردان در مرحله نخست مخاطب قرار گرفته‌اند و زنان در مرحله دوم مورد خطاب قرار گرفته‌اند:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ»\* وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...»  
(نور/۳۰)

در نظرگاه جابری آن چه نشان از عرف و عادت عرب دارد و با حجاب نیز در ارتباط است عبارت است از:

«در عصر جاهلی مرد سالاری حاکم بود. در این دوره مردان امر و نهی داشتند و اگر زنی اعتبار و منزلت داشت این موقعیت از ناحیه پدر، همسر، فرزند و... بود اما خود زن قطع نظر از این انتساب هیچ موقعیتی نداشت و مرد سرور و مالک او خوانده می‌شد. در این عصر چنان که بردگان حق نداشتند خود را شبیه احرار سازند کنیزان نیز چنین حقی نداشتند.»

در این عصر دختر کشی رواج داشت و عرب جاهلی با این ادعا که از علاقه جنسی میان زن و مرد می‌هراسد دختران را زنده به گور می‌کرد.

در این دوران زنا در میان عرب رواج داشت و به سخن برخی مفسران در طائف و مدینه برخی زنان به صورت رسمی به زنا می‌پرداختند. وجود زنا در عصر عرب جاهلی نشان می‌دهد که زنا فی حد ذاته زشت، مستهجن و ناپسند نبوده است و حساسیت عرب جاهلی نسبت به زنا تنها در حق زنان آزاد بوده است. زنانی که حافظ نسب فرزندان و افراد قبیله شناخته می‌شدند و هویت قبیله به پاکدامنی ایشان گره خورده بود به این جهت این گروه از زنان ناگزیر از حفظ حجاب بودند و در برابر، کنیزان ناگزیر از کشف حجاب می‌شدند.» (جابری، الحجاب قول فیه مختلف؛ آیات الحجاب... اسباب النزول و معطیات عصرنا!)

به باور جابری استناد برخی فقها به قاعده «الضرورات تبیح المحظورات» و استثنا برخی صاحبان مشاغل، شایسته نیست چه این که اولاً موارد استثناء محدود به آن موارد اندک نیست و بسیاری دیگر از صاحبان مشاغل را با استناد به این قاعده می‌توان استثناء کرد. (همان)

و ثانیاً، بر این عللی که تشریح حجاب را موجب شده است از میان رفته است چه این که زنان در عصر جدید برای قضای حاجت به بیرون از خانه نمی‌روند، در عصر جدید برده و کنیز وجود ندارد، زنان مانند گذشته نیاز به همراهی کنیزان ندارند و زنان و دخترانی که شاغل هستند و در بیرون از منزل کار می‌کنند اذیت و آزار نمی‌شوند.

بنابراین از آن جهت که حکم دائر مدار علت است و با وجود علت پدید می‌آید و با رفتن علت معدوم می‌گردد حجاب واجب نخواهد بود.» (همان)

به باور جابری نظریه تفسیری او به معنای تعطیلی حکم حجاب یا الغای آن نیست؛ چه این که خطابات قرآن ابدی است و با گذشت زمان تغییر نمی‌پذیرد.

اما توجه به این نکته لازم است که این خطابات، حقیقت، معجاز، خاص و عام، ناسخ و منسوخ، اوامر و مقاصد و... دارد و تمام واژگان و کلمات وسیله‌ای است برای بیان مراد خداوند و مراد خداوند در آیات حجاب کاملاً روشن و بدیهی است



و این مراد عبارت است از غض الابصار، التزام الحشمه، الوقار و عدم التبرج تبرج الجاهلیه. اما در کیفیت این کار امور بسیاری دخالت دارد که در رأس آنها دگرگون ساختن عادت‌ها است و پس از آن آزادی زن و آن چه مورد رضایت زنان است. و آن چه گفته آمد همگی در قلمرو اخلاق قرار می‌گیرد. در نتیجه اگر زنان از لباس سنتی یا عصری استفاده کنند مقدمات گناه را فراهم نخواهند ساخت چه این که پوشش کامل در عصر جدید می‌تواند بیش از بی حجابی مشکل‌آفرین باشد. (همان)

محمد عابد جابری در اثبات درستی قرائت خویش و انکار حجاب از آیه شریفه

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل/۹۰) نیز سود می‌برد:

«رعایت عدالت، برابری زن و مرد را در «غض بصر» می‌طلبد و «احسان» انجام فعل به بهترین شکل و نیکوترین صورت است چه این امر به عبادات تعلق گرفته باشد و چه به معاملات یا عرف و عادات مردم.

بر این اساس بدیهی است که عمل زن در صورت آزادی او و در حجاب نبودن وی نیکوتر است به خصوص با توجه به این که اسلام بر «آسانی» پایه ریزی شده است: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ» (بقره/۱۸۵) و آیات و روایات بسیاری در این موضوع داریم.» (همان)

برخی دیگر از نواندیشان عرب نیز چون جابری از سبب نزول آیه، علت حکم حجاب را نتیجه می‌گیرند و ادعا دارند چون در عصر جدید این علت وجود ندارد بنابراین حجاب نیز واجب نخواهد بود.

نصر حامد ابو زید به همین شیوه از پذیرش حجاب به عنوان یک حکم شرعی طفره می‌رود. او نیز علت حکم به حجاب را تمییز میان کنیزان و زنان آزاده می‌داند و از این که نظام برده‌داری منسوخ شده است نتیجه می‌گیرد:

«بنابر این حجاب نیز در عصر جدید واجب نیست زیرا حکم دایره‌مدار علت

است با آمدن علت می‌آید و رفتن علت از میان می‌رود.» (ابوزید، ۱۲۳)

عبدالفتاح عبدالقادر نیز دلالت آیه شریفه را بر حجاب برنمی‌تابد. به باور او سبب نزول آیه شریفه حکایت از آن دارد که این حکم برای تمییز میان زنان آزاده و

کنیزان فرود آمده است. در سبب نزول می خوانیم:

زنان آزاده از آن جهت که از کنیزان تشخیص داده نمی شدند گاه مورد اذیت و آزار قرار می گرفتند این مطلب به عرض پیامبر رسید و در نتیجه آیه شریفه فرود آمد.

عبدالفتاح از برخورد سخت عمر با کنیزانی که حجاب داشتند به عنوان دلیل این نظریه بهره می برد و در پایان نتیجه می گیرد:

«علت تشریح حجاب تمییز میان زنان آزاده و کنیزان است. بنابراین از آن جهت که در عصر جدید کنیز وجود ندارد، زنان با ایمان برای قضای حاجت از منزل بیرون نمی روند و مورد اذیت و آزار قرار نمی گیرند، علت حکم منتفی است و چون علت منتفی است و بر اساس قاعده فقهی با انتفای علت، حکم منتفی می شود. بنابراین حجاب در عصر جدید واجب نیست. (عبدالفتاح، الحجاب لیس فریضه اسلامیة)

محمد سعید عشاوی نیز درست به همین شکل از پذیرش حجاب سر باز می زند و بر این باور است که چون علت حکم حجاب منتفی شده است بنابراین حکم نیز از بین می رود. (عشاوی، حقیقه الحجاب و حجیه الحدیث)

### سنجش و نقد

الف. آن چه این گروه به عنوان علت حکم معرفی می کنند پشتوانه قرآنی و روایی ندارد و اسباب نزول مستند در خور اعتمادی برای رسیدن به علت حکم نیست و عبارت «ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ» (احزاب/۵۹) نیز که مستند قرآنی این گروه قرار گرفته است، بیانگر علت حکم حجاب نیست؛ بلکه این عبارت، فلسفه حجاب را بیان می کند. اگر زنان مسلمان حجاب داشته باشند مورد اذیت و آزار قرار نمی گیرند.

ب. در نظرگاه برخی از تفسیرگران قرآن و فقهاء کنیزان نیز امر به حجاب شده اند و ایشان از مصادیق «و نساء المؤمنین» هستند: «و نساء المؤمنین يشمل الحرائر و الاماء» (ابوحیان، ۲۵۰/۷)



بنابراین قرائت این گروه از نواندیشان که کنیزان را مکلف به حجاب نمی‌شناسند و علت حکم به حجاب را تمییز میان زنان آزاده و کنیزان می‌شناسند درست نیست. بنابر این حفظ حجاب بر کنیزان نیز واجب است و از جهت حجاب هیچ تفاوتی میان ایشان و دیگر زنان وجود ندارد. بنابر این نمی‌توان علت حکم به حجاب را ایجاد تفاوت میان زنان آزاده و کنیزان خواند و آن گاه از بسته شدن پرونده کنیزداری به نفی حجاب پل زد.

ج. روایتی که حکایت از برخورد عمر با کنیزان محجبه دارد در خور استناد نیست چه این که یقین به درستی آن وجود ندارد، افزون بر این رفتار عمر حجیت ندارد و نمی‌توان بر اساس آن به علت حکم حجاب رسید.

#### منابع و مأخذ

۱. ابن سلام؛ غریب الحدیث، دائرة المعارف العثمانیة، حیدر آباد.
۲. ابوحیان؛ البحر المحیط، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳. ابوزید، نصر حامد؛ دوائر الخوف، چاپ چهارم، مرکز الثقافی العربی، بیروت.
۴. بهبودی، محمد باقر؛ «حجاب شرعی»، فصلنامه حوزه. شماره ۴۲.
۵. جابری، محمد عابد؛ الحجاب بین الدین و الموروث الاجتماعی  
(<http://okda.blogspot.com>)
۶. -----؛ الحجاب... قول فيه مختلف (<http://okda.blogspot.com>)
۷. -----؛ آیات الحجاب... اسباب النزول و معطیات عصرنا.  
(<http://anouar.blogspot.com/archive>)
۸. شحرور، محمد؛ الكتاب و القرآن قراءة معاصرة، شركة المطبوعات، بیروت.

۹. -----؛ نحو اصول جديدة للفقہ الاسلامی.
۱۰. شنتیپی، محمد امین؛ اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، عالم الکتب، بیروت.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین، قم.
۱۲. عبدالفتاح عبدالقادر، اشرف؛ الحجاب لیس فریضة اسلامیه.  
(www.kwtanweer.com/articles/readarticle)
۱۳. عشاوی، محمد سعید؛ حقیقة الحجاب و حجیة الحدیث، چاپ اول، مؤسسه روز یوسف، ۲۰۰۲م. (http://www.exmuslim.com/books)
۱۴. عقله، احمد؛ زی المرأة فی الاسلام، (http://knoooz.com)
۱۵. فخر رازی؛ التفسیر الکبیر، چاپ سوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۶. القدال، محمد سعید؛ الحجاب فی الخطاب القرآنی، (www.alsahafa.info/index.)
۱۷. قرطبی؛ الجامع الاحکام القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۸. کتاب مقدس؛ سفر پیدایش، فصل بیست و پنجم.
۱۹. مرنبسی، فاطمه؛ زنان پرده نشین و نخبگان جوشن پوش، نشر نی، تهران ۱۳۸۰ش.
۲۰. واحدی نیشابوری؛ اسباب النزول، المكتبة الثقافية، بیروت.